



یادداشت چفته

شهرت گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
تحلیلی بر بودجه سال جاری کشور

چه برنامه‌ای؟ با کدام بودجه؟*

که اول باید برنامه داشت و سپس برای اجرای آن برنامه به فکر منبع درآمد بود.

ما پیش از این راجع به بودجه سال ۱۳۷۲ کشور سخن گفته‌ایم. ممکن است خواننده از خود بپرسد: اینک که بودجه از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشته و برای اجرا به دولت ابلاغ شده است، دیگر چه وقت بحث درباره بودجه است

و شنونده روشن است که معنی کامل این سؤال دو کلمه‌ای چنین است: بودجه برنامه مورد نظر از کجا باید تأمین شود. اینک خوشبختانه این موضوع جا افتاده است

نه فقط در سطح دولت، بلکه در سطح خانواده‌ها و افراد روزانه این سؤال مطرح است که چه برنامه‌ای باید اجرا شود؟ چرا باید اجرا شود؟ و چه وقت باید اجرا شود؟ و مهم‌تر از همه با کدام بودجه باید اجرا شود؟ گاه به سادگی و اختصار مردم از خود یا از طرف صحبت خود می‌پرسند: "از کجا؟" که دقیقاً "برای" گوینده.

را نشان دهد .

۴- اولویت دادن به اعتبارات عمرانی ، نسبت به اعتبارات جاری و توجه خاص به طرحهایی که سریعاً " به بازده میرسند .

۵- توجه به افزایش اعتبارات مناطق محروم
۶- توجه خاص به امور مربوط به آموزش و پرورش در سطوح مختلف .

۷- اختصاص ارز لازم برای تأمین کالاهای اساسی مردم جهت جلوگیری از افزایش بی‌رویه قیمتتها

۸- نظارت دولت بر کنترل قیمتتها با استفاده از روش ارزیابی قیمت شرکتهاى تحت پوشش و موظف کردن فروشندگان به نصب برجسب قیمت .

۹- افزایش اعتبارات مربوط به توسعه اشتغال .

۱۰- رفع مشکل اعتبارات مربوط به آماده سازی زمین برای مسکن پارهای از گروهها از جمله آزادگان و اینثارگران و ایجاد خوابگاه برای دانشجویان

۱۱- تأمین اعتبار لازم برای برق رسانی به بیش از ۱۰۰۰ روستا علاوه بر برق رسانی طبق برنامه دولت .

اینک به بینیم فلسفه وضع این اهداف جمبوده است :

تعیین درآمدهای واقعی

همانطور که آقای مهندس خاموشی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در یک نطق قبل از دستور گفت : در بسیاری از کشورها طرح بودجه در مجلس بهترین فرصت برای نمایندگان است تا به حملات شدید علیه دولتهای مخالف و جانبداری از دولتهای موافق نظر و ایده تئولوژی فردی یا حزبی خود بپردازند . " طبعاً " دولتها نیز میکوشند بودجهای به مجلس بدهند که ظاهری آراسته و قابل قبول داشته باشد . نشان دادن درآمدهای بالاتر ضمن اینکه بار مالیاتی سنگین تری را نشان ندهد ، و کاستن از

و چنن بحثی چمنتیجهای میتواند داشته باشد ؟ پاسخ اینست که هر بحثی را میتوان از جهات گوناگون مطرح ساخت که هر کدام هم به نوبه خود جالب توجه باشد . فرضاً " یکوقت میتوان بحث بودجه را در چنان زمانی مطرح ساخت که دستگاههای مسئول را به فکر انجام اصلاحاتی در ساختار بودجه یا مبالغ درآمد و هزینه آنها بیان دزد . یک وقت هم میتوان - موضوع را چنان طرح کرد که جنبه اطلاع دادن و آگاه ساختن مردم از بودجهای که یکسال با آن سروکار خواهند داشت ، داشته باشد . بحث این شماره ما منحصر " از این دیدگاه بودجه سال جاری کشورمان را مورد بحث و بررسی قرار میدهد . طبیعی است که برنامه هائیکه با این بودجه صورت میگردد ، برای سالهای آینده نیز زمینه ساز فعالیتهای تکمیلی دیگر خواهد بود .

هدفهایی که در تهیه بودجه سال جاری مورد توجه دولت بوده و کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی آنرا تکمیل کرده و بالاخره در تصویب بودجه در جلسات علنی مجلس مورد نظر بوده ، بخودی خود - و تا حد بسیار زیادی - نشان دهنده اهداف جمهوری اسلامی ایران از نقطه نظر اداره امور مالی کشور است و بما میگوید با چه نقطه نظری برنامه های خود را میخواهیم آغاز کنیم و به نتیجه برسانیم .

در این راه - بر اساس گزارشی که کمیسیون برنامه و بودجه جلسه علنی مجلس داده است - هدفهای زیر مورد نظر بود ما است :

۱- تلاش در جهت تعیین درآمدهای واقعی کشور .

۲- استقرار سیستم خود تنظیمی دخل و خرج کشور از طریق برقراری تخصیص بودجه سه ماهه برای دستگاههای مختلف .

۳- توزیع بهتر درآمدهای ارزی بطوریکه تسراز پرداختهای خارجی در آخر سال رقم مثبتی

هزینهها ضمن آنکه توسعه بیگاری و اخراج کارمندان و کارگران را منعکس نسازد ، از موارد خوشمنظر ساختن بودجه است که در اصطلاح به آن آرایش بودجهای میگویند . اما در اغلب موارد چنین آرایشی خیلی زود پاک میشود و چهره واقعی اقتصاد جامعه - که گاه چندان هم خوشمنظر نیست - خود را نشان میدهد .

در گذشته از اینگونه بودجهای خوشنمایسار داشته ایم . کمیسیون برنامه و بودجه - به ادعای خود ، که امیدواریم درست از آب درآید - امسال کوشیده است که در تنقیح بودجه سه

درآمدهای واقعی قابل وصول تکیه کند . در گذشتهها ، بسیار اتفاق افتاده است که دولتها برای نشان دادن تعادل در بودجه و پاکستن از رقم کسر بودجه ، ارقامی را ارائه داده اند که قابل وصول نبوده است ، لیکن هزینهای که در برابر آنگونه درآمدهای فرضی وجود داشته ، بمصرف رسیده است و در نتیجه دولتها یا مجبور به اصلاح ارقام بودجه شده اند و یا از بانک مرکزی قرض گرفتارند . این نکته بخودی خود جیبای خرسندی است که کمیسیون برنامه بودجه مجلس صرفنظر از حجم کلی بودجه ، به این نکته توجه داشته است که درآمدهای بودجهای متکی بر ارقام واقعی و قابل وصول باشد . اینک نوبت دستگاههای اجرائی است که در وصول درآمدها بر اساس پیش بینی و مصوبه مجلس اقدام نمایند .

البته ممکن است در عمل مواردی پیش آید که افراد یا سازمانهایی بر اساس قوانین مقرر ناچار به پرداخت مبالغی شوند که در بودجه سالانه نامی از آن برده نشده و در نتیجه درآمد دولت از رقم پیش بینی شده در بودجه بالاتر شود ، این البته جهتی مثبت در بودجه است ، اما هرگز نباید افزایش درآمدها بصورت وسیله ای درآید که دولت بیش از حد مقرر و مصوب ، دیناری از فردی یا سازمانی وصول کند .

تخصیص بودجه

توجهی ظاهراً " قشنگ از امر تخصیص بودجه بصورت سه ماهه بعمل آمده است که کمیسیون برنامه و بودجه آنرا در گزارش خود چنین توجیه کرد جهت بالابردن ضریب اطمینان در تعادل درآمدها و هزینه‌ها و مکلف کردن کمیته تخصیص اعتبار جهت تخصیص‌های سه ماهه براساس عملکرد درآمدها، از سیستم خود تنظیمی دخل و خرج در این لایحه بهره‌گیری شده است.

در این قسمت چند نکته جلب توجه میکند. نخست آنکه تخصیص بودجه بصورت سه ماهه - اگرچه کنترل‌های مقطعی در طول سال ایجاد میکند که ممکن است جلوی برخی هزینه‌های اضافی را بگیرد، اما این امر نباید بصورتی درآید که در گذشته - بصورت بودجه یک دوازدهم یا سه دوازدهم درمی‌آمد و کارهای مملکت را فلج میساخت.

آنچه در امر بودجه یک کشور خاصه هنگامی که صحبت از بودجه برنامه‌ریزی شده به میان می‌آید، حائز اهمیت اساسی است، این است که برنامه‌ها بدون وقفه و بطور منظم ادامه یابد. اگر در یک بودجه عادی درآمد مقدم بر هزینه باشد در بودجه برنامه‌ریزی شده - بدون تردید اجرای برنامه‌ها مقدم بر بودجه است و برنامه طبعاً هم به بودجه نیاز دارد و هم به زمان - بندی صحیح. به این ترتیب بازهم برمی‌گردیم به قسمت اول بحثمان که تعیین درآمدهای واقعی می‌باشد. در این فرض ما هزینه‌های اجرای برنامه را داریم و برنامه هم نیز تنظیم شده است. بنابراین مسأله مهم اجرای بموقع برنامه‌ها می‌باشد که اموری مثل تخصیص بودجه سه ماهه نمی‌باید به هیچ‌وجه دست و پای دولت را در اجرای منظم برنامه‌ها ببندد. البته نظارت بر اجرای صحیح بودجه و برنامه‌های مملکتی قانوناً " جز" وظایف اساسی مجلس شورای اسلامی است که باید بنحو سالمی در جهت صحت و استمرار اجرای برنامه‌ها اعمال شود.

خود تنظیمی دخل و خرج کشور که در بودجه

آمده است ظاهراً " عبارتی تازه است در تنظیم قوانین هر قدر از عبارات شناخته شده که معنی دقیق و وسعت کاربرد مشخص داشته باشند، استفاده شود بهتر است.

توزیع بهتر درآمدهای ارزی

یکی از هدفهای بودجه سال جاری از طرف کمیسیون برنامه و بودجه که مورد تصویب مجلس نیز قرار گرفته، توزیع بهتر درآمدهای ارزی ذکر شده است. با این هدف که در آخر سال جاری (سال ۷۲) موازنه ارزی کشور رقم مثبتی را نشان دهد. در این مورد در سرمقاله شماره مخصوص آخر سال ۷۱ اتاق ایران به تفصیل سخن گفتیم که تا آنجا که اطلاع یافته‌ام مورد توجه صاحب نظران واقع شده است. در اینجا به علت اهمیت موضوع یکبار دیگر یادآوری می‌کنیم که سیاستهای درآمد و هزینه‌های ارزی، باید طوری تنظیم شود که هرگز حوادث ناخوشایند عدم پرداخت بموقع تعهدات خارجی ما تکرار نشود. در این راه برنامه‌های ما می‌باید از ابتدا براساس درآمدهای کاملاً " محقق الوصول ارزی تنظیم شود و تعهدات ارزی تا آنجا که ممکن است با تکیه بر موجودیهای ارزی انجام شود نه براساس انتظارات وصولی. با وجود آنکه به قرار اطلاع موثق ترتیب متناسبی برای پرداخت کلیه دیون سررسیده قبلی کشور داده شده است، معذراً هنوز در هر ملاحظات خارجی چه در داخل و چه در خارج کشور با این مسأله روبرو می‌شویم که پرداخت بموقع تعهدات ایران باید در رأس همه امور اقتصادی و تجارت خارجی قرار گیرد. بسیاری از فروشندگان کالا به ایران تقاضای اعتبارات تضمین شده و حتی پارهای از آنها تقاضای اعتبارات تضمین شده از سوی بانکهای معتبر بین‌المللی (ونه بانکهای ایران) را می‌نمایند. که امیدواریم اعتبار

بین‌المللی مالی ایران بار دیگر وبزودی اهمیت خود را بدست آورد.

البته برای مامسأله روشن است که پس از سالها جنگ، و کمبودی، سازمانهای مختلف ناچار شده‌اند هم برای راه‌اندازی صنایع آسیب دیده از جنگ و هم برای غلبه بر کمبودیهای مصرفی بسیار شدید ناگهان واردات را افزایش دهند. بطوریکه فقط در سال ۱۳۷۰ رقم شگفت‌آور ۲۸/۵ میلیارد دلار را پشت سر گذاشتیم. با این همه این امر هرگز نمی‌تواند توجیه کننده روشها در قبال فروشندگان خارجیمان باشد. زیرا که آنها به حق در رأس موعود مطالبات خویش را می‌خواهند. در عین حال از سیاسی کردن این مسأله توسط محافل استکباری که دشمنان ما از پس از پیروزی انقلاب تاکنون بی‌وقفه آنرا دنبال کرده‌اند غافل نیستیم. اما باز هم این قضیه مسئولیت ما را از بین نمی‌برد که ما نباید چنین بهانه‌هایی به دست دشمنان خود بدهیم.

اولویت دادن به اعتبارات

عمرانی

یکی از هدفهایی که در بودجه سال جاری مورد توجه قرار گرفته، اولویت دادن به اعتبارات عمرانی است. نسبت به اعتبارات جاری است. لیکن خوشبختانه در بودجه سال جاری برای این نکته تأکید شده که توجه خاصی به طرحهایی باید باشد که سریعاً " به بازده می‌رسند. در توجیه این مسأله باید گفت که اعتبارات عمرانی اگر بر روی طرحهای صحیح و اصولی اجرا شود، بطور کلی سرمایه‌گذاریهای بلندمدت و یا میان مدت است و هر نوع سرمایه‌گذاری از این قبیل با اینکه ممکن است بسیار ضروری و متوجه سلامت و سعادت آینده کشور باشد به حال تورم را نیز می‌باشد و اینک که تورم زادر کشور ما به حد بالایی رسیده و از متوسط تورم جهانی به مراتب فراتر رفته است لازم است تلفیقی معقول بین طرحهایی که سریعاً " به

نتیجه می‌رسند و محصول خود را به بازار می‌فرستند و اثر ضد تورمی برجای می‌گذارند با طرح‌های عمرانی صورت گیرد. و از این نظر توجه بودجه به این امر مهم جای سیاست‌گذاری است. در عین حال این گفته؛ اخیر نباید موجب گمراهی شود، زیرا که بسیاری از طرح‌های کوتاه مدت مانند کشاورزی و دامداری خود با طرح‌های میان مدت و بلندمدت مانند سدسازی، اصلاح سیستم آبیاری، تولیدات کارخانه‌های مانند انواع کودهای شیمیایی، اصلاح مراتع، سردخانه‌ها و یخچال‌ها برای نگهداری فرآورده‌ها، تأسیسات بهداشتی برای حفظ و نگهداری اینگونه فرآورده‌ها، تأسیسات بسته‌بندی و سیلوها و انبارهای مدرن نیاز دارد. بنابراین خواننده آگاه و صبور درمی‌یابد که حتی با در نظر گرفتن اولویت دادن به برنامه‌های کوتاه مدت، از اقتصاد نباید انتظار معجزه داشت بلکه باید با صبر و حوصله به دنبال برنامه‌های اصولی رفت و الا ساده‌ترین برنامه‌ها که گشای مضرت‌ترین آنها نیز می‌باشد وارد کردن هرنوع کالا از خارج است که ممکن است ظرف ۲۴ ساعت نیز صورت گیرد.

باز هم در توجیه این مسأله باید توجه داشته باشیم که منابع اقتصادی در دنیای ما محدود است و اصولاً " فن اقتصاد و مسأله قیمت‌ها و تخصص و تقسیم بین‌المللی کار همه و همه زائیده این محدودیت است و طبعاً " لازم می‌آید که هر کشوری که آرزومند است آینده‌ای سعادتمند و سرشار از نعمت داشته باشد، توازنی مطلوب بین بودجه جاری و بودجه عمرانی و بین طرح‌های بلندمدت و کوتاه مدت بوجود آورد تا هر کدام اهرم کمک‌دهنده به دیگری باشد و نه آنکه جوی لای چرخ‌های یکدیگر.

توجه به مناطق محروم

از هدف‌های بودجه سال جاری توجه به

افزایش اعتبارات مناطق محروم ذکر شده است طبیعی است که در این راه نقطه نظر انسانی بر هر عامل دیگری می‌چربد. شاید اگر می‌خواستیم فقط از دیدگاه اقتصادی به قضیه نگاه کنیم و (به فرض محال) موقفاً " جنبه انسانی موضوع را نادیده بگیریم به این نتیجه می‌رسیدیم که اعتبارات بودجه در هر مورد باید در رشته و در منطق‌های مصرف شود که بهترین نتیجه را ببار آورد و بهترین بازده را به دست دهد. احتمالاً " سرمایه‌گذاران خصوصی نیز راهی جز این طی نمی‌کنند. اما وقتی محاسبات ملی نه فقط در قالب بودجه بلکه در قالب رفاه و آسایش انسانی مطرح می‌شود قضیه فرق می‌کند. آن وقت انسان - آنچنانکه می‌باید - محور و مقیاس همه ارزش‌ها قرار می‌گیرد و طبعاً " رفع نیازهای اساسی او تأمین یک استاندارد زندگی قابل قبول برای او با هر قیمت، و تحت هر شرایط، به صورت اصل در می‌آید. طبعاً " همین نکته وقتی که با مسأله خصوصی سازی فعالیت‌های اقتصادی روبرو می‌شود باز در تعارض قرار می‌گیرد. اینجاست که حل این تعارض منحصراً در دست دولت قرار می‌گیرد و آن ایجاد انگیزه کافی برای سرمایه‌گذاران بخش خصوصی است تا در مناطق محروم سرمایه گذاری کنند. به نحویکه سود حاصل از عملیات آنها با احتساب کمک‌ها و بخشودگی‌های دولت از هیچ نقطه دیگری کمتر نباشد.

آموزش و پرورش

از دیگر هدف‌های بودجه توجه خاص به امور مربوط به آموزش و پرورش در سطوح مختلف است. از نقطه نظر اقتصادی آموزش و پرورش همواره بحث انگیزترین مباحث بوده است؛

نخست اینکه سرمایه‌گذاری در این رشته از نقطه نظر بازده از جمله طولانی‌ترین سرمایه گذاری‌هاست. کودکی که امروز به مدرسه می‌رود ممکن است ۱۵ تا ۲۰ سال بعد و با انجام

هزینه‌های متوالی بی‌درپی (که پیوسته هم بر اثر تورم بر مبلغ آن افزوده می‌شود) وارد بازار کار شود. از سوی دیگر در تمام این مدت او عامل مصرف‌کننده تلقی می‌شود. در سال‌های اولیه مشغول تحصیل است، تکنولوژی و علوم و فنون سریعاً تغییر می‌یابد و او می‌باید دائماً " در فرا گرفته‌های خود تجدید نظر کند. با این همه بدون داشتن مردمانی آگاه، درس خوانده، وارد و متخصص هیچ کشوری با هدرج‌های از ثروت به پیشرفتگی فائل نمی‌شود زیرا که پیشرفتگی در درجه اول بستگی به طرز تفکر مردم هر جامعه و درجه مهارت‌های آنها دارد. در عین حال آموزش دادن مردم از اولین سال‌های سنین بعد از ۶ یا ۷ سالگی، به معنی بطور سالم وارد کردن جوانان در جامعه است و یک امر انسانی است و هرگز نمی‌توان امر آموزش و پرورش را منحصر از دیدگاه اقتصادی مورد بررسی قرار داد. بلکه این امر هم از مقوله بهداشت و تأمین و جزو امور اجتماعی و انسانی محسوب می‌شود که البته بازده اقتصادی آن نیز قابل فراموشی نیست. در همین زمینه طبعاً " می‌باید موضوع را بطور علمی بررسی کنیم و اسیر احساسات نشویم. آموزش و پرورش باید هدف داشته باشد که مهمترین آن " انسان سازی " است. باید مردمانی با ارزش‌های والای انسانی و درک درست از فلسفه هستی بوجود آوریم و در عین حال این افراد باید بتوانند برای جامعه کار کنند و مفید واقع شوند و نیازهای جامعه خویش را برآورده کنند. به این ترتیب آموزش و پرورش باید متوجه هدف‌های کاربردی نیز باشد. این مختصر در این مقوله کافی است.

تأمین کالاهای اساسی

یکی از هدف‌های برنامه، اختصاص ارز لازم

برای تأمین کالاهای اساسی مردم جهت جلوگیری از افزایش بی‌رویه قیمت‌ها ذکر شد. هیج کس نمی‌تواند انکار کند که در حال حاضر سطح عمومی قیمت‌ها متأثر از حد توان پرداخت اکثر قریب به اتفاق افراد جامعه است که این امر خود حجم دادوستد را کاهش می‌دهد و رکود و بیکاری را موجب می‌شود که متأثران در عصر حاضر به علت بالا بودن هزینه‌های تولید، رکود و بیکاری برخلاف نظریه‌های چند دهه اخیر (که اینک نظریه‌های کلاسیک محسوب می‌شوند)، سبب ارزانی قیمت‌ها نمی‌شود و در اقتصاد نیم قرن اخیر تورم و بیکاری باهم گسترش یافته‌اند. به هر صورت یکی از وظایف غیرقابل انکار دولت تنظیم سطح قیمت‌ها با قدرت خرید مردم است. اما قاطعانه بگوئیم که به نظر ما این امر ملازمه با مداخلات دولتی در مکانیزم قیمت‌ها ندارد. بلکه دولت‌ها می‌باید از طریق اعمال سیاست‌های ارشادی، کمک‌های تولیدی، ایجاد تسهیلات لازم، بخشودگی‌های لازم، برقراری آزادی مبادلات سبب شوند که مردم به تولید هرچه بیشتر کالاهای مورد نیاز عامه روی بیاورند و به این ترتیب هم سطح عرضه را بالا ببرند و هم سطح اشتغال را، که این هر دو، معنی افزایش سطح زندگی و توسعه رفاه عامه است.

نظارت بر کنترل قیمت‌ها

در گزارش کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی برای رعایت حال مصرف‌کنندگان و مهار نسبی تورم موردی به این مفهوم ذکر شده است: نظارت دولت بر کنترل قیمت‌ها با استفاده از روش ارزیابی قیمت شرکت‌ها تحت پوشش و موظف کردن فروشندگان به نصب برجسب قیمت. در این مورد خاص سه نکته جلب توجه می‌کند که باید جداگانه درباره هر کدام - ولو به اختصار - صحبت کنیم.

نخست نظارت دولت بر کنترل قیمت‌ها - طبیعی است که اقتصاد بازار با مداخله دولت در امر قیمت‌ها هیچگونه سازگاری ندارد. در یک نظام اقتصاد آزاد، فرض این است که تولید کنندگان متعدد کالایی را تولید کنند و با یکدیگر کیفیت آنها را افزایش دهند و قیمت آنها را تا حد ممکن پایین آورند تا بتوانند کالاهای خود را سریعتر بفروش برسانند و تجارت خود را توسعه دهند. طبیعی است که شرط لازم این کار موفقیت در این راه این است که از هر نوع انحصار و شبه انحصار دوری جسته شود.

اینکه بعضی از افراد از مختلف بودن قیمت یک کالا در فروشگاه‌های مختلف گله می‌کنند مفهومی ندارد. خصلت اقتصاد آزاد ایجاب می‌کند که هر کس کالای خود را با قیمتی که فکر می‌کند برایش مقرون به صرفه است بفروش برساند و طبعاً "خریدار هم مجاز است از کسی کالای خود را بخرد که آنرا با قیمتی ارزانتر و کیفیتی بهتر عرضه کند.

دوم استفاده از روش ارزیابی قیمت شرکت‌های تحت پوشش - هر نوع که مسأله شرکت‌های تحت پوشش تلقی شده به هر حال از نقطه نظر محاسبات و برداشتهای ملی، این شرکت‌ها نوعی شرکت دولتی تلقی می‌شوند. زیرا عامل اصلی که شرکت خصوصی را از شرکت دولتی جدا می‌کند، انگیزه شخصی است که طبعاً "در این شرکت‌ها وجود ندارد. طبیعی است دولت می‌تواند بگوید محصولی را که تولید می‌کنم با هر قیمتی که علاقمند باشم آنرا خواهم فروخت. اما اینکه آیا چنین شرکتی در پایان سال سود آور باشد یا ضرر دهد مسأله دیگری است. طبعاً "اگر محاسبات اقتصادی و مدیریت شایسته در اینگونه شرکت‌ها اعمال نشود، ضرر دهنده خواهند بود و کمکی به حل مسأله قیمت‌ها و پایین آوردن تورم

نخواهند کرد. زیرا که ارزانی ظاهری قیمت‌های آنها در یک سال - اگر حقیقتاً "چنین امری وجود داشته باشد - در سال بعد سر بار هزینه‌های دولت خواهند شد. از سوی دیگر می‌دانیم که بر اساس کلیه محاسبات اقتصادی کالای واحد نهایتاً "تأمیل دارد که در بازار به قیمت واحد بفروش برسد که این قیمت در هر زمان بالاترین قیمتی است که مشابه آن کالا با آن قیمت فروخته می‌شود. بنابراین به فرض اینکه یک شرکت تحت پوشش محصول خود را ارزانتر هم عرضه کند نهایتاً "بدست مصرف‌کننده نهائی با قیمتی بالاتر از حد تعیین شده خواهد رسید. و در این جریان محاسبات ارزیابی قیمت‌ها و اقدامات دیگری از این دست بصورت نوعی تقویست انحصارگری در می‌آید و سودا پیشگان واسطه‌ها از چنین مکانیزمی سود می‌برند.

سوم موظف کردن فروشندگان به نصب برجسب - این مقوله از مقوله "نظم اجتماعی است که دقیقاً "در هر جامعه‌ای باید رعایت شود.

فرض این است که فروشنده هر کالایی را که مخالف بهداشت و شئون ملی نیست با هر قیمتی که مایل بفروش آنست اعلام کند. حتمی بالاتر از آن می‌باید ملزم باشد موادی که در کالای خود بکار رفته و مشخصات آنها را نیز اعلام کند تا خریدار با آگاهی کامل از کم و کیف محصول و قیمت و مقایسه این عوامل با فرآورده‌های دیگر تولید کنندگان تصمیم به خرید بگیرد. در چنین صورتی هیچ فروشنده واقع بین ترخی را اعلام نمی‌کند که رقیب او ارزانتر از آن اعلام کرده باشد. به این ترتیب این مکانیزم در همه جای دنیا اصالت خود را برای پایین آوردن قیمت‌ها تا حد معقول نشان داده است. حال باید ببینیم که دستگاههای اجرائی مسئول تا چه حد دریافته‌اند که این اصل که با هیچگونه دشواری اقتصادی روبرو نیست و فقط یک مسأله اجتماعی محسوب می‌شود کوشا خواهند بود و موفقیت بدست خواهند آورد.

توسعه اشتغال

هدف دیگری که در تنظیم بودجه سال جاری در نظر گرفته شده است افزایش اعتبارات مربوط به توسعه اشتغال است. تأمین شغل برای مردم یکی از بزرگترین نقشه‌هایی است که دولت‌ها می‌باید به عهده بگیرند. زیرا که این امر مستقیماً با عدالت اجتماعی و کاهش فساد و تباهی در جامعه و در عین حال افزایش تولید و رفاه عمومی مربوط می‌شود. منظور از چنین امری این نیست که دولت همه مردم را استخدام کند و بصورت یک کارفرمای بزرگ درآید - قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم تبدیل شدن دولت را به یک کارفرمای بزرگ منع کرده است. لیکن هدف این است که دولت از طریق اتخاذ سیاست‌های صحیح مالیاتی و آزاد گذاشتن معقول فعالیت‌های بخش خصوصی سعی کند به رونق و شکوفائی اقتصاد جامعه کمک کند تا مردم به سهولت بتوانند مشاغل مورد نظر خود را ایجاد کنند و آنرا توسعه دهند و سطح اشتغال ملی را بالا ببرند. به این ترتیب اعتباراتی که مجلس برای اینکار تصویب و به دولت ابلاغ کرده است می‌باید بصورت قوه محرک‌های برای توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی درآید.

مسأله مسکن

در هدف‌های بودجه‌ای رفع مشکل اعتبارات مربوط به آماده‌سازی زمین برای مسکن‌پارهای از گروهها از جمله آزادگان و ایناگران و ایجاد خوابگاه برای دانشجویان قید شده است البته این گروهها، گروههایی هستند که به مراقبت‌های ویژه سازمانهای دولتی نیاز دارند. لیکن علی‌الاصول توسعه فعالیت‌های ساختمانی در سراسر کشور خاصه در مناطق محروم می‌باید جنبه عمومی پیدا کند خوشبختانه بخش خصوصی از دیرباز و بخصوص در سالهای اخیر

سرمایه‌گذاریهایی انبوهی در این راه انجام داده است. به نظر ما دولت باید برکنار از مداخلات بازاریارنده سعی کند که این فعالیتها را توسعه و جهت بدهد. برای مثال فعالیتهای پراکنده "تک‌سازی" که امروز در سراسر تهران و شهرهای بزرگ دیده می‌شود، می‌تواند تا حد زیادی به سوی مجتمع‌های مسکونی مدرن که زیباتر، محکمتر و نهایتاً ارزانتر تمام می‌شوند تغییر جهت دهد. در عین حال خراب کردن واحدهایی که تا سالهای دراز به راحتی و خوبی قابل سکونت بوده، فقط به خاطر آنکه یک طبقه بر روی آنها اضافه شود طبعاً نمی‌تواند به عنوان یک کار اصولی که مورد تشویق دولت قرار بگیرد، تلقی شود.

برق‌رسانی

از جمله اهداف بودجه سال جاری که در گزارش کمیسیون برنامه و بودجه آمده است تأمین اعتبار لازم برای برق‌رسانی به بیش از ۱۰۰۰ روستا علاوه بر برق‌رسانی طبق برنامه دولت می‌باشد. طبیعی است که چنین اقدام سودمندی جای قدردانی دارد. انشاءالله باید بزودی شاهد روزی باشیم که همه روستاهای ما از برق کافی برخوردار باشند. ساختمانهای آنها متناسب با تکنولوژی امروزی باشد. در آنها درمانگاه، مدرسه، ورزشگاه، وسایل خدماتی، وسایل تفریحی سالم وجود داشته باشد، و روستاها به صورت مراکزی برای کار و فعالیتها و تمدد اعصاب درآید، تا هجوم روستائیان به شهرها به حداقل نیاز کاهش یابد. این بحث را در همینجا خاتمه می‌دهیم. ■

پی‌نوشت :

این مقاله با کمک گرفتن از گزارش کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی تهیه شده. لیکن اظهارنظرهای مندرج در آن نظر نویسنده است و الزاماً نظر اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران نیست.

تغییر نام نشریه اتاق:

«نامه اتاق بازرگانی»

بطوریکه خوانندگان گرامی ملاحظه می‌فرمایند اسم نشریه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران که تا شماره قبل به عنوان "هفتنامه" انتشار می‌یافت از این شماره تغییر کرده و از این پس این نشریه به اسم جدید "نامه اتاق بازرگانی" منتشر می‌شود. طرح کلی روی جلد هم به همین مناسبت تغییر کرده است.

در حقیقت اسم "هفتنامه" اتاق "مأخوذ از بولتنی بود که سابقاً به صورت هفتگی در فاصله انتشار مجله ماهانه اتاق بازرگانی انتشار می‌یافت. در نتیجه تغییراتی که انقلاب اسلامی در جامعه ما پدید آورد مجله اتاق بازرگانی چندی تعطیل شد. لیکن به موازات آن "هفتنامه" که یک اسم رسمی و مثبت شده بوسیله وزارت ارشاد اسلامی بود راه‌تکامل را پیمود و بصورت یک نشریه اقتصادی، بازرگانی، صنعتی و معدنی تمام عیار ماهانه درآمد اما نام آن همچنان حفظ شده بود که طبعاً در عمل بصورت اسم بی‌سمائی جلوه می‌کرد.

از این جهت روابط عمومی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران با وزارت ارشاد اسلامی تماس گرفت و تقاضای تغییر نام "هفتنامه" را به "نامه اتاق بازرگانی" نمود که خوشبختانه پس از انجام تشریفات لازم بانام جدید موافقت شد و به این صورت اشتباهی که نام قبل در اذهان پارهای از خوانندگان بوجود می‌آورد برطرف گردید.

امیداست نام جدید مورد پسند خوانندگان قرارگیرد.

مدیرمسئول